

سنگرهای

پرفروغ

خاطرات دوران دفاع مقدس - دکتر رمضان دهقان

رمضان دهقان

سرشناسه: دهقان . رمضان ۱۳۴۸
 عنوان و نام پدید آورنده: سنگرهای پرفروغ - دکتر رمضان دهقان به سفارش اداره کل حفظ
 آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سمنان
 مشخصات نشر: تهران . بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سمنان - نشر
 صریح ۱۳۹۷
 مشخصات ظاهری: ۲۴۵ صفحه - رقعی مصور
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۱-۴۶۸-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷، خاطرات
 موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988—Personal narrative
 شناسه افزوده: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سمنان- ادبیات و
 انتشارات
 ردی بندی: DSR۱۶۲۹/۵۳۱۹ ۱۳۹۷
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۱
 شماره کتابت: ۵۱۶۵۹۶۴

عنوان کتاب: سنگرهای پرفروغ
 ویراستاری - صفحه آرایی و طراحی جلد: مؤسسه فره کی هنری ستارگان پرفروغ
 واپایش نهایی: مدیر ادبیات و انتشارات اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان
 سمنان - فاطمه مصطفوی فر
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۱-۴۶۸-۹
 نوبت چاپ و سال انتشار: اول- ۱۳۹۷
 شمارگان و قیمت: ۱۰۰۰ نسخه- ۱۳۰۰۰۰ ریال
 چاپ و صحافی: چاپ منصور- دامغان- بلوار پیروزی
 کلیه حقوق این اثر برای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سمنان محفوظ
 است.

نشانی مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - پلاک ۱۲۶۶ - تلفن و
 نمابر: ۶۶۹۵۴۱۰۸-۰۲۱
 نشانی: سمنان - میدان استاندارد - بلوار دفاع مقدس - مرکز فرهنگی دفاع مقدس -
 کدپستی: ۳۵۱۴۹۱۹۱۱۹ - اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان سمنان -
 تلفن: ۳۳۴۸۰۹۹۱-۰۲۳

فهرست:

۹

مقدمه

فصل اول: وقوع انقلاب، آغاز جنگ و

۱۳

او، بن مرحله حضور در جبهه

۱۵

وران: جیل از آغاز جنگ

۲۲

آغاز جنگ

۲۳

عروج شهید رجایی دهقان طرزه

۲۵

شرکت در اردوهای جهاد، مارس

۲۹

ثبت نام برای حضور در جبهه

۳۱

آموزش نظامی در پادگان شهید دلاویز سمنان

۳۴

اعزام به اهواز و اولین حضور در جنگ

فصل دوم: جاده خندق و مهران

۳۹

شرکت در عملیات کربلای ۱

۴۴

پاسگاه‌های تخریب و صفین

۴۷

حضور در خط پدافندی مهران

۴۹

شهادت بسیجی محمد پایون

۵۲

عملیات کربلای ۱ در مهران

۵۴

طراحی و اجرای عملیات

۵۹

فصل سوم: نبرد دشوار در شلمچه؛ عملیات کربلای ۴ و ۵

۶۳

آموزش‌های سخت برای شرکت در عملیات

۶۴	عملیات کربلای ۴
۶۸	شروع عملیات و آغاز درگیری
۷۰	عبور از میدان مین
۷۴	بازگشت به پشت خط مقدم
۸۰	آمادگی برای عملیات کربلای ۵
۸۳	بازگشت به دامغان پس از عملیات کربلای ۴ و ۵
۸۵	فصل چهارم: عملیات نصر ۸
۸۸	آمادگی برای عملیات نصر ۸
۹۲	شروع عملیات
۹۵	حضور در خط پدافند منطقه
۹۹	فصل پنجم: عملیات مرصاد آخرین حضور در جنگ
۱۰۱	حضور در خط پدافند منطقه عملیاتی بیت المقدس ۶
۱۰۷	شهادت فرمانده دسته، شهید علی نیر مقدس
۱۱۱	پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران
۱۱۵	تهاجم مجدد عراق پس از قبول قطعنامه ۵۹۸
۱۱۷	مضمون برخی از نامه‌های جبهه در سال ۱۳۶۷
۱۲۳	عملیات مرصاد
۱۳۰	جمع آوری شهدای عملیات مرصاد
۱۳۱	نکات تکمیلی در مورد عملیات مرصاد
۱۳۶	مراجعت به روستای طزره
۱۳۹	سخن پایانی
۱۴۵	فصل ششم: ضمائم
۱۴۶	چگونگی تشخیص پیکر شهدا در تفحص شهدا و مفقودین دفاع مقدس
۱۵۱	آشنایی با شهید فرانسوی دفاع مقدس؛ کمال کورسل

۱۵۵	شناسایی در قلب دشمن قبل از عملیات کربلای ۱
۱۶۶	آشنایی با جاده خندق
۱۷۰	نکاتی پیرامون عملیات کربلای ۴ و ۵
۱۷۵	مروری بر حوادث ماه‌های آخر جنگ و عملیات سرنوشت
۱۷۸	نگاهی به دلایل قبول قطعنامه از دیدگاه امام خمینی(ره)
۱۸۱	مرداد ۱۳۶۷، ماه پیروزی ایران
۱۸۴	کارنامه مختصری از عملیات‌های نظامی ایران علیه عراق در دوران دفاع مقدس
۱۸۶	عملیات‌های بزرگ
۱۹۵	عملیات‌های متوسط
۲۰۱	گزارش اجمالی از یادواره‌های شهدای روستای طزره
۲۰۴	تاریخچه یادواره‌های برگزار شده در روستای طزره
۲۰۷	شهدای طزره
۲۱۸	تصاویر و اسناد
۲۴۱	منابع

با یاد و نام خداوند متعال و سپاس فراوان از الطاف و عنایات پروردگار سبحان و با درود بر نبی اکرم (ص) و ائمه طاهرین و معصومین گرانقدر (ع).

نگرانی عمیق و توأم با تفکر در زندگی بشری نمایانگر این است که با وجود مشکلات و فراز و نشیب‌ها عمر انسان پر از الطاف گوناگون الهی است که این نمایانگر برکات یا مورد غفلت انسان است یا پس از مدتی آشکار و مورد توجه قرار می‌گیرد یا برخی از آن‌ها اساساً مورد توجه واقع نمی‌شود و در حقیقت در سایه دیگر برای ما کشف می‌شود. دوران دفاع مقدس که یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ به شمار می‌آید سرشار از رمز و رازها، ایثارگری‌ها، آرمون‌های الهی و آثار بی‌شماری است که با گذشت سالیان طولانی و نگارش خاطرات فراوان راجع به آن، هنوز اسرار نهفته زیادی دارد.

در سالیان اخیر در حوزه دفاع مقدس فعالیت‌های پژوهشی از جهات گوناگون صورت گرفته است. چند سالی است که در این فکر بودم که مشاهدات و تحلیل‌های شخصی‌ام را در این خصوص به رشته تحریر درآورم؛ ولی بنا به دلایل گوناگون این امر به تأخیر افتاد. با استمداد از خداوند متعال نگارش این خاطرات در روز جمعه مصادف

با شانزدهم رمضان المبارک هزار و چهار صد و سی و شش قمری (دوازده تیرماه هزار و سیصد و نود و چهار) آغاز گردید.
در اینجا چند نکته را یادآوری می‌نمایم:

۱- جنگ عراق علیه ایران از سال هزار و سیصد و پنجاه و نه آغاز و در سال هزار و سیصد و شصت و هفت پایان یافت. در زمان پایان جنگ، نوزده ساله بودم و در عمده دوران دفاع مقدس حضور مستقیم نداشتم. در ایام حضور در همان بخش اندک، نقایص فراوانی داشتم که اکنون می‌توانم بیشتر ضعف‌های خود را ملاحظه نمایم.

۲- اکنون که نگارنده این کتاب را آغاز کرده‌ام بیست و هفت سال از پایان جنگ می‌گذرد. در آن گذشت زمان طولانی، برخی از وقایع و جزئیات (که برای آن یادداشتی فراهم نکرده بودم) را از خاطر برده‌ام؛ اما بیشتر آن‌ها را به یاد دارم. این خود از شانه‌ها و قدرت پروردگار متعال است که چنین درک و حافظه‌ای به انسان بخشیده است که پس از مدت‌ها بتواند حوادث را به خاطر بیاورد.

۳- در این قسمت باید به عذر تقصیر و شرمندگی خود از جهات گوناگون اعتراف نمایم؛ اول این‌که: در برابر اسطوره‌های ایثار و ایثار دفاع مقدس جای بیان خاطره توسط اینجانب نمی‌باشد که در روند حضور کم خود ضعف‌های زیادی داشته و دارم.

دوم این‌که: پس از اتمام جنگ نیز نتوانسته‌ام حداقل وظایف خود

را در برابر ایثارگران دفاع مقدس خصوصاً شهدای عزیز و خانواده‌های محترم آنان انجام دهم و از نعمتی که خداوند به ما بخشیده بهره گرفته و شکرگزار باشم و با توشهٔ دفاع مقدس خود را اصلاح کنم.

سوم این‌که: چنانچه در بین خاطرات و تحلیل‌ها، برخی نکات معنوی و اندیشه‌های خود را در زمان جنگ و عملیات‌ها بیان داشتم بدان معنی نیست که به آن عمل کرده‌ام؛ بلکه هدف اصلی بیان آثار و برکات جهاد و توفیق است که در آن زمان در انسان ایجاد می‌شود. خداوند متعال نیز توبه‌پذیر است و با توبه و رحمت او امیدوارم.

۴- این کتاب در شش فصل تنظیم شده است. از آنجا که در سه سال آخر جنگ در فواصل سال‌های هزار و سیصد و شصت و چهار تا هزار و سیصد و شصت و هفت پنج بار (حدود هفده ماه) به جبهه اعزام شدم خاطرات هر بار حضور در جنگ را در یک فصل جداگانه بیان نمودم و فصل ششم را به ضمایم اختصاص دادم. البته به جز پنج باری که به طور مستقیم در جنگ حضور داشتم یک بار هم در سال هزار و سیصد و شصت و سه حدود چهل و پنج روز از طریق جبهه سازندگی به همراه تعدادی از دانش‌آموزان به عنوان جهاد مدارس، در رویه اعزام شدم که خاطرات آن را به اختصار در فصل اول اشاره کرده‌ام.

۵- مطالب کتاب را به طور مختصر بیان نمودم. ناگفته‌های دیگری از دوران دفاع مقدس دارم که به منظور جلوگیری از اطالة کلام یا برخی

مصالح دیگر در این کتاب بیان نکردم.

۶- لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از همه کسانی که در تهیه این مجموعه به اشکال مختلف مرا یاری کرده، به ویژه کسانی که با مطالعه کتاب، نظرات اصلاحی خویش را بیان نموده‌اند، ابراز دارم.

هم‌چنین از ایثارگران یا هم‌زمانی که احتمالاً در مراحل بیان خاطرات این کتاب حضور داشته ولی به علت فراموشی از آنان یاد نکرده‌ام پوزش می‌طلبم.

از خوانندگان محترم این کتاب نیز می‌خواهم که با انتقادات و پیشنهادات خود را بهره‌مند سازند.

و در پایان، مقدمه را با آیه‌ای از قرآن کریم خاتمه می‌دهم:

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَدُّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
(سوره بقره - آیه ۲۱۶)

جهاد در راه خدا بر شما مقرر شده؛ در حالی که شما آن را ناخوشایند است؛ چه بسا چیزی را دوست نداشته باشید حال آن‌که خیر شما بر آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید حال آن‌که شر شما در آن است و شما نمی‌دانید و خدا می‌داند.

رمضان دهقان